



تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای بااصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است.

این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چندی چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

### تماس با ما

دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
bahramsjk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۱۳

سرمدبیر: فواد عبداللهی  
foadsjk@gmail.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاونت دبیر: نسیم رهنما  
nasimrahnamadr@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاونت دبیر:  
جمال کامانگر  
jkamangar@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

## مدارس و دانشگاهها باید از کنترل جمهوری اسلامی خارج شوند!

### به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاهها

بازگشایی مراکز آموزشی اسامال در شرایطی صورت میگیرد که صحنه سیاست دستخوش تغییرات اساسی شده است. با انتخاب احمدی نژاد رویداد مهمی در صحنه سیاست ایران اتفاق افتاد که نتایج آن در عرصه های مختلف رودرروئی مردم با جمهوری اسلامی، در آرایش درونی جمهوری اسلامی و صف بندی نیروهای اپوزیسیون منعکس خواهد شد.

انتخاب احمدی نژاد عصاره جمهوری اسلامی، این پدیده ارتجاعی را بدون هیچ حائلی در مقابل مردم قرار داده است. همانطور که قبلا گفته ایم اسلام خوش خیم و معتدل نداریم. جمهوری اسلامی قابل اصلاح نیست و باید برود. این حکم، امروز به درک عمومی جامعه تبدیل شده است. ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی واقعیتی است که همه آن را احساس میکنند.

سرنگونی طلبی به بستر اصلی مبارزات مردم تبدیل شده است. اما جنبشی که به آن جنبش سرنگونی میگوییم، گرایشها و جریانات مختلفی دارد که هر کدام سرنگونی را از زاویه منفعت سیاسی خود معنی میکنند. جریان راست اپوزیسیون رژیم و بخشی از دوخرداییهایی که به سمت آن پرتاب شده اند، دنبال تغییرات از بالا و بدون دست بردن به ماشین دولت اسلامی هستند. آنها سرنگونی ای را میخواهند که طی آن ارگانهای سرکوب و زندانها و حوزه های علمیه و ماشین کنترل و سرکوب مردم از گزند تعرض مردم دور بماند. کنار نهادن مهره هایی از جمهوری اسلامی تمام خواسته های آنهاست.

اما برای اکثریت مردم، بویژه کارگران و مردم زحمتکش و آزادیخواه، این نوع سرنگونی چاره درد نیست؛ تنها میتواند با رفتن جمهوری اسلامی برای سالها بازاری برای کار ارزان و تضمین اینکه کارگر خاموش میماند را تامین نماید. برای ما سرنگونی جمهوری اسلامی باید تام و تمام باشد و بیشترین فرجه برای تضمین آزادی های سیاسی و دخالت مردم در تعیین نظام آینده جامعه را فراهم آورد. هیچ نیروئی نباید بتواند که با فشار سیاسی یا اقتصادی مردم را مجبور به انتخاب نظام آینده سیاسی ایران کند. ما اطمینان داریم که در متن چنین آزادی های سیاسی و با تحقق منشور سرنگونی جمهوری اسلامی بیشترین امکان برای دخالت مردم در تعیین نظام آتی کشور فراهم خواهد آمد و این آزادی سرنگونی جمهوری اسلامی را به نقطه شروع یک انقلاب بی واسطه به انقلاب سوسیالیستی بدل خواهد کرد.

دانشجویان، دانش آموزان و جوانان مبارز!

بازگشایی مدارس و دانشگاهها امکانها و وظایف جدیدی را در مقابل شما قرار میدهد. شما باید تضمین کنید که فضا و امور مدارس هرچه بیشتر از تاثیر و کنترل جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی خارج شود. باید تضمین کنید که مدارس و دانشگاهها سنگر آزادی و برابری هستند و به هیچ چیز کمتر از مفاد منشور سرنگونی و اعلام بیانیه حقوق جهانشمول انسان بعنوان پایه حقوق انسان در جامعه رضایت نخواهند داد. باید مدارس و دانشگاهها سنگر روشنگری، روشن اندیشی و روشن بینی سیاسی و فکری و مرکز سیاست، هنر و فرهنگ پیشرو انسانی باشند. با تشکیل شبکه های مبارزاتی و وصل شدن به همدیگر فضایی رادیکال و میلیتانت علیه جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی به وجود آورید. انجمن ها، کانون ها، گروههای ورزشی، نشریات، گروه های هنری و همه و همه باید علاوه بر فعالیت خود، ابزار تامین این فضا و ابزار متحد کردن و فعال نگاه داشتن دانش آموزان و دانشجویان باشند. باید با قدرت، هر نوع خواب و خیال تعرض به آزادی های سیاسی توسط کله های حزب الله و انصارالله و بسیج را از فکر آنها بیرون کرد. باید آنها را از دست درازی به آزادی های سیاسی ما و زندگی مردم پشیمان کرد.

دانشجویان کمونیست و آزادیخواه!

تحقق آنچه در بالا گفته شد قبل از هر کس وظیفه شماست. باید رهبر اصلی و سازمانده اصلی در مدارس و دانشگاهها بچه های کمونیست باشند. حکمتیست ها باید اوضاع را بدست بگیرند. راه موثر تاثیرگذاری در مبارزات دانشجویی و توده ای تماس با ما است! ما میتوانیم دست شما را در دست هم بگذاریم متشکل و همگام فضای دانشگاهها و محلات را به دست بگیریم. برای پیشبرد مبارزه ای متشکل و میلیتانت با سازمان جوانان حکمتیست تماس بگیرید.

### کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست

مهر ماه ۱۳۸۴ (اکتبر ۲۰۰۵)



نماید. برای ما سرنگونی جمهوری اسلامی باید تام و تمام باشد و بیشترین فرجه برای تضمین آزادی های سیاسی و دخالت مردم در تعیین نظام آینده جامعه را فراهم آورد. هیچ نیروئی نباید بتواند که با فشار سیاسی یا اقتصادی مردم را مجبور به انتخاب نظام آینده سیاسی ایران کند. ما اطمینان داریم که در متن چنین آزادی های سیاسی و با تحقق منشور سرنگونی جمهوری اسلامی بیشترین امکان برای دخالت مردم در تعیین نظام آتی کشور فراهم خواهد آمد و این آزادی سرنگونی جمهوری اسلامی را به نقطه شروع یک انقلاب بی واسطه به انقلاب سوسیالیستی بدل خواهد کرد.



## زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

# جنبش جوانان و افق های طبقاتی پیش روی آن!

## بهمن بهار

تاریخ، تاریخ مبارزه طبقاتی است و طبقات اجتماعی در بطن این مبارزه افق ها و آلترناتیو هایشان را از طریق جنبش هایی به صورت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای خود و جامعه ترجمه می کنند. به طور مثال جنبش ناسیونالیسم عظمت طلب افق سیاسی خود (روبنای متمرکز و مقتدر، مانند نمونه رضا خان)، روبنای فرهنگی متناسب با آن (تحت ترویج فرهنگ ایرانی، ترویج نژاد پرستی و...) و از نظر اجتماعی با سرکوب جنبش های اجتماعی (مخصوصاً جنبش کمونیستی و کارگری) ایجاد امنیت و ثبات برای سرمایه، خود را به عنوان آلترناتیوی در مقابل بورژوازی و جامعه قرار می دهد و جنبش ناسیونالیسم عظمت طلب را از اساس تبدیل به یک جنبش بورژوایی می کند، که پایگاه احزاب دست راستی از قبیل سلطنت طلبان و... می شود و یا جنبش ملی-اسلامی و...

طبقات اجتماعی و یا به صورت دقیقتر طبقات اساسی جامعه که در تولید ثروت جامعه نقش کلیدی دارند، از طریق جنبش های خود وارد عرصه جدال و مبارزه بر سر قدرت سیاسی و... می شوند. که این رابطه به صورت یک به یک برقرار نیست، یک طبقه ممکن است جنبش های مختلفی از خود بیرون بدهد و... که این نکات با توجه به تئوری های حکمت از بدیهیات بحث ما به حساب می آید.

اما غیر از جنبش هایی که در بالا ذکر آن رفت باید به نوع دیگری از جنبش ها اشاره کرد، که ما در این مقاله برای تفکیک آن ها از هم جنبش هایی از قبیل جنبش های بالا را جنبش های سیاسی طبقات و جنبش های اجتماعی از نوع دیگری را با نام اختصاری جنبش های اجتماعی مشخص می کنیم.

جنبش های سیاسی طبقات همانطور که در بالا ذکر آن رفت، اولاً به قدرت سیاسی چشم دوخته اند و پایگاه احزاب سیاسی و نمایندگان سیاسی این طبقات به حساب می آید و دوماً ارتباط کاملاً ارگانیکی با منافع طبقه مشخصی برقرار می کنند و در اصل هر کدام از این جنبش ها حاوی پاسخی است به معضلات پیش روی آن طبقه مشخص.

اما جنبش های نوع دوم از قبیل جنبش جوانان، جنبش زنان، جنبش سیاهان و... که ما از آنها با نام کلی جنبش های اجتماعی نام بردیم دارای ویژگی های خاصی هستند که باید به آن ها توجه کرد، اولاً این جنبش ها نه در پاسخ به معضل یک طبقه مشخص بلکه در پاسخ به معضلی محصول شرایط موجود که حاصل حاکمیت یک طبقه مشخص اجتماعی است، شکل می گیرند، در نتیجه این جنبش ها هیچ کدام نه مستقیماً به قدرت سیاسی چشم دوخته اند و نه بی واسطه سیاسی اند و دوماً آن ارتباط ارگانیک و مستقیم با یک طبقه خاص را که جنبش های بالا می توانستند داشته باشند را این دسته از جنبش ها ندارند. از طرف دیگر طبقات بدون تعیین تکلیف خود با این جنبش ها و برقراری هژمونی و دادن پاسخی مشخص به آن ها نمی توانند مسئله کسب قدرت سیاسی و پیروزی قطعی در میدان مبارزه را تعیین کنند. از طرفی این جنبش ها پایگاه جمع آوری نیرو برای جنبش های سیاسی طبقات است و این خود مسئله ای تعیین کننده است.

در اینجا تنها می توان به نکاتی کلیدی جهت پیش برد تعیین سیاست ها و شیوه برخورد با این جنبش ها اشاره کرد، بحث اثباتی و تشریحی این نکات خود احتیاج به مقاله مفصلی دارد.

اولاً با توجه به این که هیچ کدام از این جنبش ها دارای آلترناتیو و طرح کلی برای اداره و تغییر جامعه نیستند و این تنها طبقات اصلی جامعه هستند که قادر به تبیین چنین چیزی هستند، این جنبش ها در تحلیل نهایی و مخصوصاً در شرایط بحرانی و انقلابی به زیر پرچم یکی از طبقات درگیر این مبارزه خواهند رفت و در نهایت یا افق بورژوایی و یا افق طبقه کارگر را در این مبارزه خواهند پذیرفت. دوماً در این روند عنصر تعیین کننده پاسخی است که هر کدام از این طبقات به این جنبش ها و معضلات پیش رو آنان می دهند و آنچه ای که در این میان در درون این جنبش ها به جدال می پردازد، پاسخ هر کدام از این طبقات است. سوماً مبارزه میان این پاسخ ها در درون این جنبش ها عمدتاً شکل سلبی به خود می گیرد، زیرا این جنبش ها در پاسخ به معضلی که بر اثر حاکمیت موجود پیش آمده شکل گرفته، به طور مثال در اساس این جامعه طبقاتی و نیاز های آن بوده که معضل

زنان و در نتیجه جنبش زنان را به وجود آورده و گرته در اساس مشکلات انسان ها بر اساس جنسیت آنها تفاوت نمیکند بلکه بر اثر جامعه طبقاتی است که این انفکاک ایجاد شده است. اگر بخواهیم به صورت خاص بر این نکته تاکید کنیم، باید توضیح دهیم که مسئله بر سر این است که چه نیرویی این معضل و سرمنشا این معضل (مثلاً ستم زنان) را می تواند نفی کند و مسئله را چه تعریف می کند و چه چیزی را و تا چه حدی می خواهد نفی کند.

از ادامه این بحث در این جا می گذریم و به بحث جنبش جوانان می پردازیم.

## جنبش جوانان

همه بحث های فوق برای جنبش جوانان صدق می کند و ما نیز با همان پیش فرض ها جلو می آییم. اول باید معضلاتی که حول آن جنبش جوانان در ایران ایجاد شده است روشن شود تا در نتیجه بتوان جنبه سلبی آن را مشخص کرد.

جنبش جوانان در ایران خصوصاً در آن که بعضی از آنها عبارتند از مدرنیسم، تقابل با سنت های اسلام سیاسی، بیکاری وسیع، مسائل جنسی، نبود افق یک زندگی انسانی و نرمال از نظر امکانات، مسئله تحصیلات و آموزش عالی و... چند مسله در این جا حائز اهمیت است. اولاً این که مشخصاً جنبه مدرنیستی و ضد اسلامی هر حزب یا کلا جریانی که بخواهد جنبش جوانان را جلب کند دارای اهمیت زیادی است. اما مسئله بر سر اولویت هر کدام از این معضلات و میزان تعیین کنندگی آنهاست. مسئله بر سر این است که دغدغه های مادی مانند بیکاری شدید در درجه اول و در درجه دوم نبود افق یک زندگی انسانی با وجود سرکوب ها و محرومیت ها و... است که پتانسیل اصلی این جنبش را می سازد.

اسلام سیاسی در دو جهت دچار تعارض جدی



**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

# مبارزه با مذهب برای باز گرداندن اختیار به انسان



**گفتگوی ماهنامه بی خدایان با جمال کمانگر**

**بی خدایان: هدف کمونیستها از تبلیغ علیه مذهب چیست؟**

**جمال کمانگر:** تاریخا بخش لایتجزای از مبارزه کمونیستها علیه مذهب بوده است. اگر برگردید و متون کلاسیک مارکسیستی را ورق بزنید تمایز کمونیستها را با سایر کسانی که به نحوی با مذهب در افتاده اند به روشنی میبیند. مبارزه ضد مذهبی و محو آن در عرصه زندگی مردم به عنوان یکی از شروط رهایی کامل انسان از قید و بند نظام طبقاتی است.

نابودی و در قفس کردن دین بسته ایم. در مانیفست حزب کمونیست در این باره میخوانیم: "در اوضاع و احوال زندگی پرولتاریا، دیگر شرایط جامعه کهن نابود شده است. پرولتاریا مایملکی ندارد، مناسبات وی با زن و فرزند با مناسبات خانواده های بورژوازی هیچگونه وجه مشترکی ندارد. کار نوین صنعتی و شیوه نوین اسارت در زیر یوغ سرمایه، که خواه در انگلستان و فرانسه و خواه در آمریکا و آلمان یک نواخت است هرگونه جنبه ملی را از پرولتاریا زدوده است. قانون، اخلاق، مذهب برای وی چیزی دیگری نیست جز خرافات بورژوازی که در پس آنها منافع بورژوازی پنهان شده است." صنعت دین در دنیای امروز ابزاری در دست بورژوازی جهانی و ملی برای تحمیل مردم و توجیه نظام نابرابر اقتصادی و سیاسی حاکم است. اما از یک جنبه دیگر هم میتوانیم به کارکرد مخرب مذهب در جامعه توجه کنیم. مخصوصا برای مردم خاورمیانه و نسل جوان که هر گونه امکان زندگی کردن و امروزی بودن را دین از آنها گرفته است. به قول مارکس انتقاد از دین به مثابه انتقاد از سیاست است. مارکس در ادامه گفت: "ما مسائل دنیوی را تبدیل به مسائل الهیات نمی کنیم بلکه مسائل الهیات را به مسائل دنیوی تبدیل میکنیم. تاریخ به اندازه کافی در خرافات مستحیل شده است. ما اکنون خرافات را در تاریخ مستحیل میکنیم. برای ما مسئله رابطه آزادی سیاسی با مذهب، تبدیل میشود به مسئله رابطه آزادی سیاسی با رهایی انسان (مارکس درباره مسئله یهود) لنین در این باره میگوید: "مبارزه

علیه مذهب را نباید به تبلیغات انتزاعی- ایدئولوژیک محدود نمود و منحصر ساخت بلکه باید به پراتیک مشخص جنبش طبقاتی ایکه هدف آن از بین بردن ریشه های مذهب میباشد، ربط داد... تبلیغ تئوریک آنتیسم یعنی از بین بردن اعتقادات مذهبی اقشار مشخص پرولتاریا از موفقیت مسیر و شرایط مبارزه طبقاتی این اقشار، به معنی طرز تفکر غیر دیالکتیکی است." همانطوری که ملاحظه میکنید برای کمونیستها مبارزه با مذهب یک اولویت همیشگی است تا رهایی کامل بشر و باز گرداندن اختیار به انسان این مبارزه همچنان ادامه دارد. اما هدف بلاواسطه ما در ایران اگر هم به قدرت نرسیم باید این اقدام زیر جزو قانون جاری کشور شود. "مصادره کلیه موقوفات و اموال و دارائی های نهادهای سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک اسلامی، اموال سران جمهوری اسلامی حوزه های علمیه و نهادها و مدارس اسلامی و استفاده از آنها برای رفع منافع طبقاتی و پشت پرده و مدافعین دین، سعی در قانع کردن ما نیم که باید در مقابل این مسابقه آدمکشی مشتکی جانی در متروهای لندن و خیابانهای بغداد و خانقین پایان دهیم. علیه تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی امریکا و متحدینش به میدان بیائید. مقابله با موج آدمکشی و کشتاری که این داروسته های ارتجاعی راه انداخته اند در گرو حضور صف روشن بین انسانهایی است که به هیچکدام از قطبهای تروریست و جریانات مرتجع ذینفع در این سناریوی سیاه، در گرو حضور ماست. با حضور خود در تظاهراتهای روز شنبه ۲۴ سپتامبر که در اکثر پایتختهای کشورهای اروپایی در اعتراض به اشغال عراق و فضای میلیتاریستی حاکم از طرف آمریکا و متحدینش و از سوی تروریستهای اسلامی، سازمان داده شده است، به خیابانها بیائید. حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست همراه با حزب کمونیست کارگری عراق و در دفاع از مدنیت و تقویت قطب رادیکال و انسانی در عراق در این تظاهرات شرکت میکنند.

## علیه جنگ، علیه تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی!

**مردم آزاده!**

زبانه های آتش خائمانسوز تروریستها هر روز شعله و رتر میشود. روزانه دهها انسان کودک و سالمند، زن و مرد قربانی تروریسم افسارگسیخته اسلامی و دولتی میشوند. ابعاد دهشتناک این تراژدی از بالای تا مادرید، از فلوجه تا نیویورک و از متروها و خیابانهای لندن تا محله کاظمین بغداد هر روز افزایش میابد و سیاه ترین سناریو را به کل بشریت تحمیل کرده است. ابعاد مرگبار این سناریو و این جنگ دو قطب تروریستی روزانه رو به ازدیاد است. پایان دادن به این دور تسلسل آدمکشی کار فوری بشریت متمدنی است که هیچ نفعی در لت و پار کردن انسانها و در به قهقرا کشاندن جامعه بشری ندارد. این



تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۵

**دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!**



## ساعات پخش تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای جمعه از  
ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به  
وقت تهران ( ۶ تا ۷ بعدازظهر به  
وقت اروپای

مرکزی و ۹ تا ۱۰ صبح به  
وقت امریکای غربی از شبکه  
کانال یک پخش میشود

لیرت و اروپا:

**Telstar 12**  
**Freq: 11494.5 MHz**  
**Polarity: Vertical**  
**Sym Rate: 17,4687ms**  
**FEC: 3/4**

امریکای شمالی:

**Telstar 5**  
**Freq: 12,090 MHz**  
**Polarity: Horizontal**  
**Sym Rate: 20000 ms**  
**FEC : 3/4**

برنامه پرتو روی سایت آن نیز  
قابل مشاهده است:

[www.hekmatist.com/parto](http://www.hekmatist.com/parto)

از این سایت ها دیدن کنید:

[www.javanx.com](http://www.javanx.com)  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
[www.oktoberr.com](http://www.oktoberr.com)  
[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)  
[www.iran-tribune.com](http://www.iran-tribune.com)  
[www.pasox.org](http://www.pasox.org)

## به سازمان

## جوانان حکمتیست

## پیونید!

گروپ جوانان  
حکمتیست

در یاهو!

<http://>

[groups.yahoo.com/  
javananekomonist](http://groups.yahoo.com/javananekomonist)

منتظر بودم که کور شوم اما این چنین نشد! هر چند ترس از کور شدن توسط خدا، من را از بازی کودکانه با دیگران چند روز انداخت ولی یک چیز برایم معلوم شد که نه این طور نیست! مردم میترسند و گر نه چنین چیزی امکان ندارد.

دومین جایی که یواش یواش شک ام به یقین نزدیک میشد وقتی بود که در دوران ابتدایی در مورد نوح که ۹۹۹ سال عمر کرد. برایم سؤال بود و از معلم آن دوره میپرسیدم که چطور چنین چیزی امکان دارد؟! و یا اینکه داستانی که ابراهیم چند تا مرغ و خروس را کشته و هر تیکه از گوشتشان را بالای کوهی گذاشته بعد صدا کرد و همه زنده شدند! جالب این بود این دلایل برای آن بود که بیشتر امثال من را به خدا نزدیک کند ولی از بس تمثیل های بیگانه بود که در مقابل اولین سؤال آن دوران من تاب مقاومت نداشت و معلم بیچاره مجبور بود بگوید "این کار خداست تو چیکار داری."

کسی که بیشتر از همه با او درگیر میشدم پدرم بود در مقابل سؤالات من میگفت "دوره کافرستانی شده است" و اتفاقا چون خودش به شیخ های منطقه اعتقاد داشت برای من راحتترین هدف بود که آنها را زیر سؤال ببرم. و دستشان بندازم. لازم به یادآوری است که همراه با تلاش من برای سر در آوردن از بود و نبود خدا، جمهوری اسلامی در سطح مدارس تلاش میکرد این دروغ بزرگ را به خورد ما بدهد.

مرحله سوم زمانی بود که وارد آوردند ولی من یادم رفت کفشایم را در بیاورم. بعد از اینکه کمی دوره قبر گشتم یکی از بچه ها گفت "چرا با کفش آمدی؟ دیگر تمام شد تو کور خواهی شد." من هم تا روز بعد

سریع میگفتند "که حتما کتاب صادق هدایت را خواندی؟" رشته تحصیلم در دوران دبیرستان علوم تجربی بود و هر چه بیشتر شیمی، زیست شناسی، زمین شناسی و غیره را میخواندم قدرت استدلال علیه خدا بیشتر میشد... جدای از اینکه از کودکی این سؤال همیشه رو سرم دور میزد که چرا خدا باید مردم را فقیر درست کند که میگفتند: "فقرا شیر خدا هستند" بیشتر خدا و این استدلالها برایم جوک میشد. در بحثهایی که در دوران دبیرستان و قبیلش با دوستانم و در مهمانی ها که در منطقه ما فراوان است با توجه به آگاهی که داشتم و همزمان خود را کمونیست میدانستم در رد خدا کلی استدلال میکردم که بعضیها گیر میدادند که علنی بگو خدا را قبول داری یا نه من هم میگفتم که امر شخصی خودم است ولی واقعیتش این بود میترسیدم که سریع بگویم من بیخدا شده ام! میگفتم خدایی که شما میپرستی ساخته و پرداخته ذهن بشر است. از لحاظ تاریخی

مربوط به دوران کودکی بشر و درکش از طبیعت است. بشر خدا را آفریده است!

البته در کنار این از همان دوران کودکی عملکرد وحشیانه اسلام سیاسی در ایران و مخصوصا در جریان جنگ کردستان که هر روز میدیدم که چطور یک یا چند جنازه از مبارزین کردستان را در داخل شهر نمایش میدادند و به کسانی توهین میکردند که از همان کودکی بعنوان قهرمانان من ظاهر میشدند. اینها و دهها برخورد دیگر پوچ بودن خدا و نقش ابزاری خدا در دست طبقات حاکم برای انقیاد هر چه بیشتر مردم محروم و تدخیر آنها با این ارجیف، خدا را در زندگی من حاشیه ای کرد. تا اینکه همان طور که گفتم در دوران دبیرستان بکلی از دست خدا نجات پیدا کردم! بیخدا شدم و خود را سعادتمند میدانم که از دست موجودی موهن و ساخته و پرداخته ذهن بشر نجات پیدا کرده ام. و همه مردم و مخصوصا جوانان را فرا میخوانم دست در دست هم بگذاریم و این دروغ را از جامعه جارو کنیم.

## در گرامیداشت "نه بز" احمدزاده از موسسین

### سازمان جوانان حکمتیست



انجمن مارکس کلن

جمعه ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۵ ساعت ۴ بعدازظهر

جوانان، کمونیسم کارگری، جنبش جوانان در

ایران

سخنران: آذر مدرسی

ورود رایگان و برای عموم آزاد است

آدرس NATURFREUNDEHÄUSER

Kalk, Kapellenstr. 9A, Koeln

مسئول انجمن مارکس - کلن پروین معاذی - نسان نویدینیان

تلفن تماس ۰۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵ ای میل [Nodinian-Nassan@web.de](mailto:Nodinian-Nassan@web.de)

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال به محل سالن خودداری کنید!



[www.javanx.com](http://www.javanx.com)